



<http://www.harmonytalk.com>

Jazz

()

اگر کار گروهی موسیقی کرده باشید میدونید اولین چیزی که نشون میده یک گروه هماهنگ کار میکنند یا نه این هست که سازهای مختلف، هنگام نواختن تو دست و پای هم نرنند و بقولی همه شون یک چیز رو نزنند. برای مثال هم پیانو باس بزنه و هم گیتار بیس، یا هم پیانو آکورد بگیره و هم گیتار الی آخر. برای جلو گیری از بروز چنین اتفاقی باید اعضای گروه همدیگر رو بشناسند و نقش هر یک خوب مشخص باشه. در اینصورت هر نقشی وظیفه و مسئولیت خاصی داره و سایر اعضای گروه خوب میدانند که وظیفه هر نفر چی هست. لذا کاری رو که او انجام میده دیگه انجام نخواهند داد و انرژی گروه در راه مثبت و مفید صرف خواهد شد.

این موضوع در گروه های Jazz خیلی مهمتر هست چرا که در این سبک نوازنده آزادی عمل بسیار زیادی داره و اینطور نیست که از روی یک پارتیتور نوازندگی کنه. اینجاست که اغلب نیاز به مدیر در یک گروه نوازندگی احساس میشه مدیری که نقش و وظیفه هر کس رو در گروه باید مشخص کنه. با کمال تاسف باید اعتراف کنیم که در گروه های کوچک این پست مهم وجود نداره! راه دیگه ای که صد البته دشوارتر هم هست اینکه اعضای گروه پس از تمرین های بسیار به یک حس مشترک از کارها و توانایی هایی که در اجرا دارند برسند که این کمک میکنه از این مقطع به بعد بصورت قابل قبولی اعضا به نوازندگی بپردازند.

در عالم موسیقی Jazz هر نوازنده ای بسته به حس و موقعیتی که در هنگام lead نواختن داره ممکنه که قطعه رو طوری اجرا کنه که اعضای گروه تا به حال اینگونه اونو نشنیده باشند لذا لازم هست که همواره گوشهای خودمون رو باز نگاه داریم و در عین نوازندگی به آنچه دیگران مینوازند دقیق گوش کنیم. حتماً دقت کردید که هنگامی که گروه های Jazz به نوازندگی میپردازند چگونه با حرکت صورت یا حتی دست در صورت امکان بصورت لحظه ای (منظورم همون Online هست) موسیقی رو با یکدیگر تنظیم میکنند.

مشکلی که اغلب در گروه ها کوچک پیش میاد و کاملاً مشخص هست یا اصلاً بسیاری از افراد عادی اون رو متوجه نمیشنند، این هست که گیتار و پیانو معمولاً نقش یکسانی رو اجرا میکنند و هر دو به یک شکل comping (اصطلاح موسیقی به معنی همراهی کردن) انجام میدند. در حالی که میتونند با کمی برنامه ریزی و تمرین قبلی همراهی حرفه ای تر بصورت پلی ریتیمیک یا ملودیک و ... را ایفا کنند.

چیزی که اغلب باعث بروز این اشتباه حتی توسط آهنگسازان با تجربه میشه توانایی این دو ساز در پر رنگ کردن هارمونی هست که آهنگ ساز رو وسوسه میکنه از هردو برای اینکار استفاده کنه یا اغلب اگه دیده باشید برای پیانو یا گیتار تنها به دادن آکورد های قطعه اکتفا میکنند. در این حالت اگر گیتاریست و پیانیست هماهنگی و تجربه کافی نداشته باشند هر دو در طول قطعه به نواختن یکسان آکورد می پردازند. بحثی رو که امروز میخوایم شروع کنیم مربوط میشه به این نکته که گیتاریست و پیانیست چطور باید بایکدیگر هماهنگی کنند تا اجرای موسیقی حرفه ای و خوب باشه. در این بحث به چند نکته مهم اشاره خواهیم کرد که به یکی از اونها در همین مطلب میپردازیم.

شاید ساده ترین کار این باشه که هنگامی که گیتار در حال ساز زدن هست، پیانو ساکت باشه و برعکس وقتی پیانو comping میکند گیتار ساکت باشه. در اینصورت بدون شک، هیچگونه تداخلی در comping رخ نمیده. اینکار بسیار خوش صدا تر هست از اینکه هردو ساز شروع به نواختن بدون برنامه کنند، مطمئن باشید شنونده در این حالت احساس بهتری میکنه. فقط نکته ای که باید رعایت بشه اینکه حتی المقدور عمل جابجایی سازها بهتر است پس از پایان کامل یک جمله یا عبارت موسیقی باشه و به هیچ وجه وسط جمله عوض نشه. حتی بهتر این هست که به گیتار اجازه بدیم با سولیست هماهنگی کنه و بعد که سولیست یکبار progression قسمتی از موسیقی رو اجرا کرد، گیتار خارج بشه و پیانو وارد بشه. در این حالت ممکن سولیست دیگه ای یا حتی خواننده اجرای موسیقی رو هدایت کنه. این روش بسیار متداول هست بخصوص در اجرای ballad ها.

The image shows a musical score with three staves: Lead, Guitar, and Piano. The Lead staff has a melodic line in the first two measures, then rests. The Guitar staff has a rhythmic accompaniment in the first two measures, then rests. The Piano staff has a rhythmic accompaniment in the last two measures, then rests.

نکته دیگری که در حالت کلی برای هر دو ساز باید به اون دقت کنیم اینکه هر دو ساز گیتار و پیانو توانایی پوشش دادن رنج وسیعی از نت ها را دارا هستند، لذا هرگز، تکرار میشه هرگز، به comping در یک محدوده کوچک مثل سر دسته گیتار اکتفا نکنیم و به این بهانه که فلان آکورد تو سر دسته ساده تر است به زدن آکورد در یک قسمت از ساز ادامه ندیم. دقت کنید که همین نکته ساده یکی از تفاوت های بزرگ اجرای حرفه ای و آماتوری است.

یکی دیگر از روشهای متداول هم‌نوازی پیانو و گیتار روشی است که به نام Freddie Green معروف هست. ایشون نوازنده گیتار Jazz ای بوده که با گروه Count Basie (نوازنده پیانو Jazz) همکاری میکرد و نقش برجسته ای در کار گروه Count Basie و موسیقی تولید شده توسط این گروه داشته. این روش همراهی بر اساس نت های سیاه که دقیقا "سر ضرب نواخته میشه هست که نتیجه حاصل یک ساختار کاملا" محکم و استوار ریتمیک رو بوجود میاره.

تحت این شرایط نوازنده پیانو اقدام به شکستن قالب ریتمیک گیتار میکنه و با استفاده از ضد ضربهایی که به موسیقی تحمیل میکنه حس موسیقی Jazz رو بوجود میاره. نکته بسیار مهم اینکه چون گیتار هارمونی موسیقی رو بطور کامل تهیه میکنه، نوازنده پیانو به حتی المقدور باید از نواختن آکورد دوری کنه. در عوض او باید نقش زدن ضربه به ریتم مانند یک ساز ضربی اما با نت های آکورد رو داشته باشه.

The image shows a musical score for Guitar and Piano. The Guitar part is written in treble clef with a key signature of one flat (Bb). It consists of four measures, each containing a rhythmic pattern of eighth notes. The chords for each measure are C7, F7, C7, and G7. The Piano part is written in treble clef with a key signature of one flat (Bb). It consists of four measures, each containing a rhythmic pattern of eighth notes that complements the guitar part.

نکته دیگه ای که باید به اون دقت کنید اینکه پیانو به هیچ وجه سر ضربها نباید آکورد بگیره اما در مواردی مثل میزانهای 2 و 3 میتونه بصورت ضد ضرب از voicing های ساده آکوردها استفاده کنه. ممکن هست این سنووال مطرح بشه که پیانو با این بزرگی و ابهتش بیاد هرز گاهی یک نت بزنه؟! اولین پاسخی که میشه داد این هست که هر توانایی و برتری اگه زیاد مورد استفاده قرار بگیره دیگه توانایی یا برتری نیست، پاسخ بعدی اینکه Count Basie یکی از بزرگترین نوازنده های پیانو Jazz بوده واگه اون اینگونه با Freddie Green کار میکرده حتما" یک چیزی میدونسته و در آخر اینکه خودتون امتحان کنید نتیجه خیلی بالاتر از حد انتظار شما خواهد بود.

روش Freddie Green برای گیتار بسیار خوش صدا است و به قول معروف خوب صدا میده اما اگر پیانو بخواد جای گیتار رو بگیره موضوع عوض میشه چرا که زدن آکورد هایی با نت سیاه در هر میزان با پیانو برخلاف حالتی که گیتار اینکا رو انجام میده، نتیجه جالبی بدست نمیده. دلیل اون میتونه خوش صدا و ظریف بودن صدای گیتار هنگامی که با نت های سیاه همراهی میکنه باشه و برعکس چکشی بودن صدای پیانو باعث میشه این روش برای پیانو بد صدا باشه.

میشه از خاصیت چکشی بودن صدای پیانو استفاده کرد و با استفاده از نت های کم کشش مسئولیت نگه داشتن ریتم رو به پیانو داد و در عوض از گیتار خواست که در اطراف ریتمی که بصورت ثابت پیانو میزنه به زدن آکورد بپردازه. به شکل نگاه کنید و ببینید که چگونه پیانو ریتم ثابتی رو نگه میداره و در عوض گیتار به همراهی اطراف ریتم پیانو میپردازه.

The image shows a musical score for Guitar and Piano. The Guitar part is written in treble clef with a 4/4 time signature. The Piano part is written in bass clef. The chord progression is: F Maj7, Gm7 C7, Bb Maj7, C7 F Maj7. The piano part shows a consistent rhythmic pattern of eighth notes with accents.

تنها نکته بسیار مهم در این روش این هست که هر دو نوازنده پیانو و گیتار تحت این شرایط باید progression آکورد ها رو دقیقاً دنبال کنند چه در اینصورت با زدن اشتباه هر آکورد توسط دیگری موسیقی بد صدا میشه، درست برخلاف روش Freddie Green چون پیانو به زدن نت های آکورد اکتفا میکرد و بندرت voicing های دوصدایی از آکوردها رو در خارج ضربها میزد. بخصوص دو نوازنده باید سعی کنند که در آکوردهای Altered توافق نظر داشته باشند و هارمونی یکسانی رو بعنوان آکورد تغییر یافته بشناسند.